

پرسش ۶۵۳: معنی نفوذ کردن در آیه ی (یا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَتَفَدُّوا...  
فَانْفُدُّوا...) چیست

السؤال/۶۵۳: السلام عليك سيدي ومولاي قائم آل محمد ويمانيهم...السلام  
عليكم أخوتي أنصار الله ورحمة الله وبركاته.

آقای من و قائم و یمانی آل محمد، سلام و درود بر شما... سلام بر شما برادران  
انصار الله من، و رحمت و برکات خداوند بر شما!

قال الله سبحانه وتعالى في محكم كتابه العزيز: (يا أيها الذين آمنوا ان استطعتم  
ان تنفذوا من أقطار السماوات والأرض فانفذوا ولا تنفذون إلا بسلطان).

خداوند سبحان و متعال در محکم کتاب عزیزش می فرماید: (ای گروه جنیان و  
آدمیان، اگر می توانید که از کرانه های آسمان ها و زمین به بیرون نفوذ کنید، نفوذ کنید؛  
ولی بیرون نتوانید رفت مگر با داشتن قدرتی).

ما معنى النفوذ وكيف يكون؟ وما هو السلطان؟

المرسل: أبو حيدر - العراق / البصرة

معنای نفوذ کردن چیست و چگونه است؟ و «سلطان» (نیرو و توان) چیست؟

فرستنده: ابو حیدر - عراق - بصره

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين  
وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

الآية هي هكذا: (يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتِطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ) [الرحمن: 33]: أي إن استطعتم النفوذ من خلال حدود السماوات والأرض (أي الكون الجسماني)، فلن تنفذوا إلى سلطان غير سلطان الله فحيث ما انتقلتم ستكونون في سلطان الله سبحانه (لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ)، واستعمال كلمة (تنفذوا) يعني أن حدود الأكوان إنما هي حدود قابلة للنفوذ منها، ولكن لا تتوهموا أن ما بعد هذه الأقطار والحدود شيء آخر غير سلطان الله وملك الله سبحانه وتعالى

آيه این چنین است: (ای گروه جنیان و آدمیان، اگر می‌توانید که از کرانه‌های آسمان‌ها و زمین به بیرون نفوذ کنید، نفوذ کنید؛ ولی بیرون نتوانید رفت مگر با داشتن قدرتی) [الرحمن: 33]؛ یعنی اگر می‌توانید، از حدود آسمان‌ها و زمین (یعنی عالم جسمانی) نفوذ کنید؛ که نمی‌توانید با قدرت و نیرویی غیر از نیروی خداوند نفوذ کنید. هر جا که منتقل شوید، در قبضه‌ی سلطنت و نیروی خداوند سبحان هستید (لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ). استفاده از عبارت (تَنْفُذُوا) (نفوذ و رخنه کنید) به این معنا است که حدود و کرانه‌های هستی‌ها، کرانه‌هایی نفوذپذیر می‌باشند؛ ولی می‌پندارید که ورای این کرانه‌ها و مرزها، چیز دیگری غیر از سلطنت و فرمان‌روایی خداوند سبحان و متعال وجود دارد.

قال تعالى: (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ \* يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ) [الرحمن: 34-35]: (يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا): مبنية للمجهول؛ والسبب أن مرسل النار والدخان هو نفس هذه الأقطار أو الحدود أي إنها متولدة ذاتياً أي إن حدود هذه الأكوان أو أقطارها القابلة للنفوذ منها مليئة بالنار (الطاقة) والنحاس (الدخان)

خداوند متعال می‌فرماید: (پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ \* بر شما شعله‌ای بی‌دود فرستاده شود، یا مس گداخته (دود بی‌آتش)؛ پس با او مقابله نتوانید کرد) [الرحمن: 34-35]. (يُزْسَلُ عَلَيْكُمَا) (بر شما فرستاده شود): فعل، مبنی بر مجهول است و دلیل آن این است که فرستنده‌ی آتش و مس، خود این کرانه‌ها و مرزها می‌باشند؛

وهذا يعني أنّ حدود هذه الأكوان السماوات والأرض ليست ساكنة بل متحركة مضطربة ونتيجة طبيعية لاضطرابها أن تحصل اصطدامات وانفجارات تولد ناراً وحرارة ودخاناً، والنتيجة الطبيعية لهذا هو تكثف هذه الطاقات وبالتالي ممكن أن تتكون المادة الجسمانية كما نعرفها في عالمنا أو صور أخرى في عالم آخر تسبب عرقلة ومنع النفاذ وبالتالي (فَلَا تَنْتَصِرَانِ).

أحمد الحسن - ربيع الثاني/ 1433 هـ

یعنی این عمل به طور خود به خودی صورت می‌پذیرد؛ یعنی مرزهای این هستی‌ها یا کرانه‌ها که قابل نفوذ کردن می‌باشند، از آتش (انرژی) و مس گداخته (دود) پر شده است؛ به این معنی که مرزها و حدود این هستی‌های آسمان‌ها و زمین، ساکن نیست، بلکه در حرکت و نوسان می‌باشد. نتیجه‌ی طبیعی نوسان این است که برخوردها و انفجارهایی که آتش، حرارت و دود به وجود می‌آورد، رخ می‌دهد؛ و نتیجه‌ی طبیعی این واقعه، متراکم شدن این انرژی‌ها و در نتیجه امکان شکل گرفتن ماده‌ی جسمانی به شکلی که ما در کیهان‌مان می‌شناسیم یا صورت‌های دیگری در کیهانی دیگر، به وجود می‌آید که سدّی ایجاد می‌کند و مانع از نفوذ می‌گردد و در نتیجه (فَلَا تَنْتَصِرَانِ) (مقابله نتوانید کرد).

أحمد الحسن - ربيع الثاني ١٤٣٣ هـ

